



پایه دوازدهم
رشته علوم انسانی

رضا آقاجانی

فرمول

فرمول پایان

۱۰
نمونه
امتحانی

۱۵۰۰
پرسش
تشریحی

۷۰
صفحه
درسنامه



+۴

ساعت
فیلم
آموزشی
اختصاصی



9 786220 306870

تهران، میدان انقلاب
نیش بازارچه کتاب

www.gajmarket.com

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد

با این که علم تجربی دقیق‌ترین دستاورد انسان است و بسیاری از نیازهای انسان را برآورده می‌کند اما بسیاری از پرسش‌ها از دایره علم تجربی بیرون می‌مانند و علم تجربی با همهٔ دقت و اهمیتی که دارد از جواب دادن به آنها ناتوان است. توجه به پرسش‌های بنیادی و اساسی یعنی پرسش دربارهٔ حقیقت چیزها و کارها همان است که فلسفه می‌نامیم.

واژهٔ فلسفه که از ریشهٔ یونانی فیلسوفیا یعنی «دوستداری دانایی» است، بیانگر این است که خاستگاه آن عشق و مقصد آن شناخت است. برای کسی که به مقام خردمندی رسیده باشد نه تنها عشق به شناخت بلکه برخورد با هر نوع تعارض و تضادی در پیرامون

انسان می‌تواند زمینه‌ای باشد برای پرسش‌های فلسفی و اندیشهٔ خردمندانه و این از آن رو است که هریک از علوم مختلف با موضوع‌های ویژه‌ای سروکار دارند اما اندیشهٔ فلسفی به موضوع خاصی محدود نمی‌شود و هر موضوعی می‌تواند با دید فلسفی نگریسته شود.

دوست خوب انسانی‌ام همهٔ دغدغهٔ ما در این کتاب این است که با درسنامه‌ای کامل و جامع و طراحی انواع سؤالات اعم از **صحیح / غلط، جای خالی، دوگزینه‌ای، کشف ارتباط، پاسخ کوتاه و پاسخ بلند** تمام نیازهای آموزشی و یادگیری شما را برآورده کنیم و تلاش کرده‌ایم بخش‌های تاریک و دشوار کتاب را به زبانی ساده بیان کنیم و آن‌ها را در جدول‌های دقیق طبقه‌بندی کردیم تا با خواندن آن‌ها بتوانید به نحو احسن از عهدهٔ امتحانات نهایی برآیید.

امید است مطالعهٔ این کتاب بتواند در شما دانش‌آموزان عزیز مهارت‌های لازم برای موفقیت در امتحانات را ایجاد کند.

بارها این جمله را شنیده‌ایم: **«کسی که اصلاً کاری انجام نداده باشد هرگز اشتباه**

نمی‌کند». مطمئناً ارائهٔ یک کتاب خوب نمی‌تواند خالی از اشکال و انتقاد باشد. سقراط می‌گوید: «صداقت کسی را که تمام حرف‌ها و اعمال تو را تحسین می‌کند باور نکن، بلکه صادق کسی است که با احترام خطاهای تو را گوشزد می‌کند». از این‌رو از دبیران بزرگوار و دانش‌آموزان گرامی تقاضا می‌کنیم بر ما منت نهاده خطاها را یادآوری نمایند.

گروه مؤلفان

بارم‌بندی درس فلسفه ۲		
شماره درس	پایانی نوبت اول	پایانی نوبت دوم
اول	۳	۱/۲۵
دوم	۳/۵	۱
سوم	۳/۵	۲
چهارم	۳	۱
پنجم	۳	۱/۵
ششم	۴	۱/۷۵
هفتم	—	۲/۵
هشتم	—	۲/۵
نهم	—	۱/۲۵
دهم	—	۲
یازدهم	—	۲
دوازدهم	—	۱/۲۵
جمع	۲۰	۲۰

فهرست

FILM	پاسخ	سؤالات	درسنامه
30 min	۱۲۲	۱۰	۶
17 min	۱۲۳	۱۸	۱۴
26 min	۱۲۴	۲۸	۲۲
12 min	۱۲۷	۳۷	۳۲
18 min	۱۲۸	۴۶	۴۰
16 min	۱۳۱	۵۶	۵۱
18 min	۱۳۳	۶۵	۶۱
23 min	۱۳۶	۷۴	۷۰
11 min	۱۳۹	۸۴	۷۹
20 min	۱۴۱	۹۵	۸۸
18 min	۱۴۴	۱۰۷	۱۰۰
10 min	۱۴۷	۱۱۸	۱۱۲

درس اول: هستی و چیستی

درس دوم: جهان ممکنات

درس سوم: جهان علی و معلولی

درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟

درس پنجم: خدا در فلسفه (قسمت اول)

درس ششم: خدا در فلسفه (قسمت دوم)

درس هفتم: عقل در فلسفه (قسمت اول)

درس هشتم: عقل در فلسفه (قسمت دوم)

درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام

درس دهم: دوره میانی

درس یازدهم: دوران متأخر

درس دوازدهم: حکمت معاصر

امتحان نهایی



۱۵۹	آزمون ۷: شهریور ماه ۱۴۰۲
۱۶۰	آزمون ۸: دی ماه ۱۴۰۲
۱۶۲	آزمون ۹: خرداد ماه ۱۴۰۳
۱۶۴	آزمون ۱۰: مرداد ماه ۱۴۰۳
۱۶۷	پاسخ‌نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۱۰

۱۵۰	آزمون ۱: شهریور ماه ۱۴۰۰
۱۵۱	آزمون ۲: دی ماه ۱۴۰۰
۱۵۲	آزمون ۳: خرداد ماه ۱۴۰۱
۱۵۴	آزمون ۴: شهریور ماه ۱۴۰۱
۱۵۵	آزمون ۵: دی ماه ۱۴۰۱
۱۵۷	آزمون ۶: خرداد ماه ۱۴۰۲

۱

بخش



درستنامه

و سؤالات تشریحی

درس اول

هستی و چیستی

در این درس می‌خوانیم

تعیین نسبت میان وجود (هستی) و ماهیت (چیستی) در موجودات
تشخیص دو مفهوم هستی و چیستی در یک موجود و نحوه حمل وجود و هستی بر ماهیات مختلف

مشاوره

بارم این درس در امتحان نوبت اول ۳ نمره و در نوبت دوم (نهایی) ۱ نمره است.

• موضوع دانش فلسفه، «هستی» یا «وجود» است:

وجودشناسی

دانش فلسفه

• معرفت‌شناسی هم که درباره حقیقت علم صحبت می‌کند، بخشی از وجودشناسی به معنای عام آن است؛ زیرا حقیقت علم خود قسمی از اقسام وجود است. بنابراین:

حقیقت علم

معرفت‌شناسی

وجودشناسی

• مباحث اصلی فلسفه (مباحث پیرامون وجود) شامل مباحثی مانند رابطه هستی و چیستی، جهان ممکنات، مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علیت در جهان می‌شود.

هستی و چیستی



یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت و درک دو مفهوم «هستی (وجود)» و «چیستی (ماهیت)» است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

ماهیت و چیستی

• ماهیت عبارت است از چیستی هر شیء. مثلاً در زندگی، همیشه «چیزهایی» در اطرافمان وجود دارند و به حسب نیاز از آن‌ها استفاده کرده و نیازمان را برطرف می‌کنیم که واقعی هستند مانند آب، درخت، میوه و ... و برخی چیزها هستند که واقعی و موجود تصور کرده‌ایم در حالی که خیالی و غیرواقعی هستند؛ مانند ققنوس، سراب و ...

پس: ماهیات موجود در ذهن به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱ ماهیتهایی که در جهان خارج از ذهن وجود دارند (واقعیت یا واقعیت‌هایی وجود دارند) مانند اشیای جهان اطراف ما
- ۲ ماهیتهایی که در جهان خارج از ذهن وجود ندارند (فرض وجود برای چیزی موجب نمی‌شود که آن چیز، موجود واقعی باشد بلکه ممکن است زائیده تخیلات افراد باشد) مانند دیو، سیمرغ و ...

وجود و هستی

وجود مفهومی است که دلالت بر هستی یک موجود دارد؛ مثلاً وقتی به حیوانی اشاره می‌کنیم و می‌گوییم «این چیست؟» به این امر اشاره کرده‌ایم که وجود و هستی را برای آن حیوان در نظر گرفته‌ایم و حال با توجه به موجود بودن آن حیوان، به دنبال شناخت ماهیت و چیستی آن هستیم.

نکته مفهومی

مفهومی که در قضایای مربوط به وجود در جایگاه موضوع قرار می‌گیرد، **ماهیت** و مفهومی که نشان‌دهنده هستی یا نیستی آن موضوع است و در جایگاه محمول قرار می‌گیرد **وجود** و **هستی** نامیده می‌شود.

مثال **فیل وجود دارد** ← فیل، «ماهیتی» است که محمول «وجود» بر آن حمل شده است.

ماهیت هستی
(چیستی) (وجود)

نکته استفاده از ضمائر اشاره مانند «این» و «آن» و نظایر آن نشان می‌دهد که مفهوم وجود برای شیء یا مفهوم مدنظر ما ثابت شده است و به دنبال شناخت «ماهیت یا چیستی» آن مفهوم هستیم؛ یعنی می‌خواهیم بدانیم این موجود چه ویژگی‌های مخصوصی دارد که آن را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. این ویژگی‌های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء می‌گویند. به عبارت دیگر: ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

مثال این چیست؟ ← این حیوان بزرگ و تنومند، فیل نام دارد.

نتیجه‌گیری

انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند (یا آن مواجه می‌شود)، دو جنبه می‌یابد:

۱ وجود (هستی): وجه مشترک موجود است.

۲ ماهیت (چیستی): وجه اختصاصی موجود است.

مثلاً وقتی حیوانی را می‌بینیم هم به وجود داشتن آن و هم به ماهیت و ویژگی‌های آن پی می‌بریم و به عبارت دقیق‌تر، ابتدا وجود هر چیزی را اثبات می‌کنیم و بعد به بررسی ماهیت آن می‌پردازیم.

مغایرت وجود و ماهیت

• فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز و تفاوت میان این دو مفهوم نکاتی را مطرح کرد. ابن‌سینا راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده باشند مثل اکسیژن و هیدروژن که دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند یا حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که بگوییم کاغذ، سفید است یا رنگ دیگری است.

نکته در واقع تفاوت وجود و ماهیت در ذهن است نه در عالم خارج؛ یعنی مثلاً وقتی می‌گوییم انسان موجود است تفاوت «انسان» که ماهیت است و «وجود» فقط در «ذهن» و از جهت «مفهوم» است و «الاً» در عالم خارج تفاوتی بین وجود و ماهیت نیست؛ یعنی در عالم خارج، وقتی به «انسان» اشاره می‌کنیم دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم؛ به عبارت دیگر، «انسان» و «وجود انسان» دو مفهوم مختلف و متفاوت در ذهن هستند نه دو موجود جداگانه در عالم خارج.

(صفحه ۴ کتاب درسی) - تکمیل گزاره‌ها

سؤال ۱ در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آن‌ها را می‌شناسیم و هم از «هستی»‌شان خبر داریم؛ مانند:

۲ برخی امور وجود دارند که از «هستی»‌شان خبر داریم اما «چیستی» آن‌ها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مانند:

۳ «چیستی»‌های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مانند:

پاسخ ۱ آب، میوه‌ها، حیوانات و ...

۲ جاذبه، انرژی، روح، نور و ...

۳ پری دریایی و سایر موجوداتی که در افسانه‌ها و داستان‌های تخیلی آمده‌اند.

نکته از مغایرت وجود و ماهیت با تعابیر دیگری مانند «زیادت وجود بر ماهیت در ذهن» یا «عدم عینیت وجود و ماهیت در ذهن» نیز یاد می‌شود.

• به این دو قضیه توجه کنید: **۱** انسان، حیوان ناطق است. **۲** انسان، موجود است.

در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان به وسیله «حیوان ناطق» که محمول قضیه است تعریف شده است؛ در واقع انسان همان حیوان ناطق است یعنی حیوان ناطق بودن از انسان جدایی‌ناپذیر است مانند مثلث که برای شکل سه ضلعی استفاده می‌شود.

در این نوع تعریف، فقط تفاوت موضوع و محمول در گستردگی استفاده از مفاهیم است مثلاً لفظ انسان، مختصرتر از لفظ حیوان ناطق است. بنابراین حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» حمل چپستی و ذاتیات خود او است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که حیوان ناطق را بر انسان حمل کردید دقیقاً مانند حمل سه ضلعی بر مثلث. اما در عبارت «انسان، موجود است» برای این‌که مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان، موجود است». بنابراین در این نوع قضایا، حمل «وجود» بر هر «چپستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است مانند قضایای «انسان شیر است» یا «انسان مخلوق است».

نکته این دلیل می‌تواند از طریق **حس** یا **تجربی** به دست آید یا از طریق **عقل محض**. سایر ماهیت‌ها و چپستی‌ها نیز نسبت به مفهوم وجود، همین حالت را دارند. بنابراین مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چپستی‌ها، با مفهوم وجود، مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست. برای فهم بهتر این مطالب، به توضیحات زیر دقت کنید:

نکته مفهومی

گاهی موضوع و محمول از جهت «مفهوم» و «مصادق» با یکدیگر وحدت دارند و فقط از جهت اجمال و تفصیل (اختصار یا گستردگی توضیح و تبیین) با یکدیگر اختلاف دارند. مثلاً «حیوان ناطق» و «انسان» از نظر مصادق و مفهوم یکسان هستند ولی فقط مفهوم توضیح انسان، مختصرتر از توضیح مفهوم حیوان ناطق است. گاهی نیز موضوع و محمول از نظر «مفهوم» مختلف هستند اما در مصادق وحدت و اشتراک دارند. این امر به این دلیل است که در اصطلاحات عرفی و رشته‌ها و صنایع علمی و ادبی این نوع تعریف، رواج و شیوع دارد مثلاً در قضیه «انسان موجود است»، «انسان» و «موجود» دو مفهوم مختلف هستند ولی «انسان» از مصادیق انواع «موجودات» محسوب می‌شود.

بررسی (صفحه ۶ کتاب درسی)

سؤال اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.

پاسخ بله قطعاً مشکل ساز می‌شد! چون در این صورت به محض این‌که چیزی را تصور می‌کردیم (یعنی ماهیت آن برای ما مشخص می‌شد) باید وجودش هم اثبات می‌شد در حالیکه این چنین نیست مثلاً با این‌که ماهیت و چپستی سیم‌رغ یا ققنوس برای ما مشخص است ولی می‌دانیم که وجود و هستی ندارند. بنابراین وجود و ماهیت در ذهن با یکدیگر مغایرت دارند (یا به عبارتی دیگر، مفهوم وجود و ماهیت در ذهن با یکدیگر عینیت ندارد).

بازبینی (صفحه ۶ کتاب درسی)

سؤال به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن‌سینا، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ آیا سه گزاره طرح‌شده، با بیان ابن‌سینا هماهنگ‌اند؟

۲ کدام گزاره نظر ابن‌سینا را بیشتر تأیید می‌کند؟

پاسخ ۱ بله، همه گزاره‌ها با بیان ابن‌سینا هماهنگ هستند و تضادی با قول ایشان ندارد.

۲ گزاره‌های دوم و سوم با روشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می‌رسانند، زیرا در گزاره دوم این نکته آمده که هستی برخی از امور را می‌شناسیم اما ماهیت آن‌ها روشن نیست. در گزاره سوم نیز گفته شده که ما می‌توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم در حالی‌که ممکن است اصلاً موجود نباشند. در گزاره اول سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چپستی و هستی را به دست می‌آوریم.

گذری تاریخی (سیر تاریخی مغایرت وجود و ماهیت)

- به علت توجه خاص ابن‌سینا این بحث به عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا عناوین مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که گفته‌اند «فرق بین ماهیت و وجود، بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.» این نظر، پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز قرار گرفت.
- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.
- آکوئیناس همچون ابن‌سینا، این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار مکتب فلسفی «تومیسسم» در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
- توماس آکوئیناس که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی «ابن‌رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن‌سینا و ابن‌رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

نکته: از قرن ۱۶ میلادی، با رشد تجربه‌گرایی، این دیدگاه‌ها جای خود را به فلسفه‌های **حس‌گرا** و **تجربه‌گرا** دادند و فرصت رشد و گسترش بیشتر پیدا نکردند. • نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

(صفحه ۷ کتاب درسی) - **به کار ببندیم**

سؤال ۱ قضیه انسان موجود است را با کدام یک از قضایای زیر می‌توان مقایسه کرد؟

(۱) انسان بشر است. (۲) انسان حیوان است. (۳) انسان مخلوق است.

۲ شبی علی و محمد در حال گفت‌وگو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک «سگ» است، ولی محمد گفت: آن یک «گرگ» است، وقتی کمی نزدیک‌تر شدند، دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه یک تخته سنگ است! به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد نسبت میان چیستی و هستی گرفت؟

۳ به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول‌ها به موضوع‌ها نیازمند دلیل است و چرا؟

۱. انسان حیوان است. ۲. انسان شیر است. ۳. انسان عجول است.
۴. انسان ناطق است. ۵. انسان موجود است.

۴ آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

پاسخ ۱ قضیه انسان موجود است، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است؛ زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان، نیازمند دلیل است؛ اما بشر و حیوان، ذاتی انسان هستند و دلیل نمی‌خواهند.

۲ این تمرین گویای آن است که انسان، میان وجود و ماهیت تمایز قائل می‌شود، یعنی با این‌که می‌داند موجودی هست ولی نمی‌داند که آن موجود چیست؛ و نیز انسان برای وجود، یک معنا در ذهن دارد و با اینکه نسبت به ماهیت آن موجود، شک و تردید دارد که چه ماهیتی است اما این شک و تردید به وجود آن موجود سرایت نمی‌کند.

۳ ۱. حمل ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد. / ۲. حمل ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جزء مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج، شیر و انسان یکی هستند. / ۳. حمل ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد. / ۴. حمل ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد. / ۵. حمل ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد.

۴ سه ضلعی، ویژگی ذاتی مثلث است و لذا حمل آن بر مثلث نیازمند به دلیل نیست.

درس در یک نگاه



سؤالات تشریحی

درس اول: هستی و چیستی

برای مشاهده فیلم
شب امتحان این درس
اسکن کنید.

سؤالات صحیح / غلط

۱. وجود وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آنها است. (شهریور ۱۴۰۲ - خرداد و شهریور ۹۹)
۲. وجود هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن است. (دی ۱۴۰۱)
۳. حمل مفهوم «وجود» بر هر ماهیتی از جمله انسان، نیازمند دلیل است. (خرداد ۱۴۰۱)
۴. دلیل حمل وجود بر هر ماهیتی، از طریق حس و تجربه یا عقل محض قابل شناسایی است. (شهریور ۱۴۰۱)
۵. حمل حیوان ناطق بر انسان، به دلیل نیاز دارد. (دی ۱۴۰۰)
۶. حمل «جسم» بر «مداد» و «خودکار» به دلیل نیاز دارد. (خرداد ۱۴۰۰)
۷. در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آنها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند. (شهریور ۱۴۰۰)
۸. میان انسان به عنوان یک «ماهیت» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار است. (دی ۹۹)
۹. وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دو امر جداگانه هستند و مغایرت دارند. (دی ۹۹)
۱۰. «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت‌اند نه دو موجود جداگانه.
۱۱. دو مفهوم «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی پذیرند.
۱۲. دو عبارت «هر انسانی حیوان ناطق است.» و «هر حیوان ناطقی انسان است.» هر دو صادق‌اند.
۱۳. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی» است و به دلیل نیاز ندارد.
۱۴. در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد.
۱۵. میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست.
۱۶. «آگوستین» از طریق فلسفه ابن‌سینا؛ برهان «وجوب و امکان» را در اروپا گسترش داد و موجب گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.
۱۷. توماس آکوئیناس؛ پایه‌گذار مکتب فلسفه تومیسیم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
۱۸. فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد مجدداً با فلسفه افلاطونی آشنا شدند.
۱۹. چون موضوع دانش فلسفه، وجود است، بنابراین فلسفه، مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند.
۲۰. دو مفهوم وجود و ماهیت از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
۲۱. در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم.
۲۲. ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند اما نمی‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم.
۲۳. برخی امور وجود دارند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست.
۲۴. «چیستی» های فراوانی را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ درحالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند.
۲۵. به ویژگی‌های مخصوص به خود موجودات که آنها را از دسته دیگر موجودات متمایز می‌کند در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء می‌گویند.
۲۶. وجود و ماهیت هر شیء، بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.
۲۷. ابن‌سینا برای اثبات عینیت وجود و ماهیت دلایلی ذکر کرده است.
۲۸. حمل دارای اضلاع و متساوی‌الاضلاع بر مثلث به دلیل نیاز دارد.
۲۹. اگر فرض کنیم مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، آنگاه امور خیالی واقعاً وجود خواهند داشت.

سوالات جای خالی

۳۰. وقتی کسی می‌پرسد آن چیست؟ یعنی به آن شیء پی برده است اما از آن بی خبر است. (دی ۱۴۰۱)
۳۱. انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: «.....» و «.....». (خرداد ۱۴۰۱)
۳۲. ویژگی‌های مخصوص یک شیء را در منطق و فلسفه، آن شیء می‌گویند. (شهریور ۱۴۰۱)
۳۳. کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که از اشیا آگاه است. (شهریور ۱۴۰۰)
۳۴. توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، نظریه را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده بود. (دی ۹۹)
۳۵. نام یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، و نظریه «فرق وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد، بوده است. (شهریور ۹۹)
۳۶. همه موجودات از نظر «وجود» با هم اشتراک دارند و اختلاف آن‌ها از جهت می‌باشد. (دی ۹۸)
۳۷. کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که از وجود اشیا آگاه است اما از آنها آگاه نیست. (دی ۹۸)
۳۸. ماهیت و چیستی هر شیء، بیان‌کننده آن شیء است. (دی ۹۸)
۳۹. در عبارت «آهو حیوان است»، «آهو» و «حیوان» دو مختلف و متفاوت از یک موجود هستند نه دو امر جداگانه. (دی ۹۸)
۴۰. موضوع دانش فلسفه است. (دی ۹۸)
۴۱. فلسفه، مسائل پیرامون را بررسی می‌کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را می‌گویند. (دی ۹۸)
۴۲. دو مفهوم و از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند. (دی ۹۸)
۴۳. وجه مشترک موجودات است و وجه اختصاصی آن‌ها است. (دی ۹۸)
۴۴. در عبارت «انسان موجود است»، «انسان» و «وجود» دو مختلف و متفاوت اند نه دو جداگانه. (دی ۹۸)
۴۵. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک حمل است و به نیاز ندارد. (دی ۹۸)
۴۶. در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» است و تعریف آن قرار نمی‌گیرد. (دی ۹۸)
۴۷. در عبارت «انسان موجود است» میان انسان به عنوان یک و وجود رابطه ذاتی برقرار (دی ۹۸)
۴۸. حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است حال این دلیل ممکن است از طریق حس و به دست آید یا از طریق (دی ۹۸)
۴۹. فرق بین ماهیت و وجود، پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان قرار گرفت. (دی ۹۸)
۵۰. فلسفه‌ای که توماس آکوئیناس در اروپا ترویج کرد، بیشتر متکی به دیدگاه‌های و تا حدودی بود. (دی ۹۸)
۵۱. در قرن ۱۳ میلادی، فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد مجدداً با فلسفه آشنا شدند. (دی ۹۸)

سوالات دوگزینه‌ای

۵۲. در کدام قضیه، محمول از اجزاء ذاتی موضوع است؟ (خرداد ۱۴۰۲)
- ۱ آهن، فلز است. ۲ آب، شور است.
۵۳. محمول در کدام یک از قضایای زیر، جزء مفهوم موضوع است نه عین آن؟ (دی ۱۴۰۱)
- ۱ مثلث شکل است. ۲ مثلث شکل سه ضلعی است.
۵۴. نوع حمل، در قضیه «لوزی شکل است» با کدام یک از قضایای زیر تناسب دارد؟ (خرداد ۱۴۰۱)
- ۱ انسان حیوان است. ۲ انسان مخلوق است.
۵۵. کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به چه چیزی از اشیا پی برده است؟ (دی ۱۴۰۰)
- ۱ وجود ۲ ماهیت
۵۶. در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد، مجدداً با کدام فلسفه آشنا شدند؟ (خرداد ۱۴۰۰ - دی ۹۹)
- ۱ افلاطون ۲ ارسطو

۵۷. فیلسوفان غربی از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه آشنا شدند. (دی ۹۹)

۱ افلاطون

۲ ارسطو

۵۸. کدام اصل، پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا قرار گرفته است؟ (خرداد ۹۹)

۱ مغایرت وجود و ماهیت

۲ تقدم علت بر معلول

۵۹. قضیه «زمستان سرد است» را با کدام قضیه می توان مقایسه کرد؟

۱ پلاتین فلز است.

۲ انسان فانی است.

کشف ارتباط

۶۰. هریک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

الف. وجه مشترک همه موجودات	۱. از جهت مفهوم
ب. وجه اختصاصی همه موجودات	۲. توماس آکوئیناس
ج. پایه گذار مکتب فلسفه «تومیسیم»	۳. وجود
د. تفاوت وجود و ماهیت	۴. ماهیت
ه. برهان خداشناسی ابن سینا	۵. وجوب و امکان

سؤالات پاسخ کوتاه

۶۱. یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی را که «نظریه مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده اند، نام ببرید.

(شهریور ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۰ - دی ۹۹)

۶۲. به ترتیب، وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟

۶۳. موضوع دانش فلسفه چیست؟

۶۴. چرا اصل دانش فلسفه را «وجودشناسی» می گویند؟

۶۵. یکی از مباحث اولیه فلسفه چه بود؟

۶۶. وجه مشترک و وجه اختصاصی همه موجودات را بنویسید.

۶۷. به ترتیب، کدام فیلسوف مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه ای کرد و کدام فیلسوف راه وی را ادامه داد؟

۶۸. به نظر ابن سینا، دلایل حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» از چه طریقی به دست می آید؟

۶۹. یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی چه نام دارد؟

۷۰. یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به چه برهانی معروف است؟

۷۱. توماس آکوئیناس کدام اصل را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد؟

۷۲. فلسفه ای که توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی در اروپا پایه گذاری نمود، به دیدگاه های کدام فیلسوفان مسلمان متکی بود؟

۷۳. مکتب فلسفی ای که توماس آکوئیناس پایه گذار آن در اروپا شد چه نام دارد؟

۷۴. فلاسفه غرب از چه طریقی توانستند مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند و ارتباط برقرار کنند؟

سؤالات پاسخ بلند

۷۵. از دیدگاه ابن سینا، وقتی می گوییم «آب و وجود دو مفهوم از یک موجود هستند»، به چه معنا می باشد؟ توضیح دهید. (خرداد ۱۴۰۲)

۷۶. چرا حمل وجود بر «درخت»، به دلیل نیاز دارد؟ توضیح دهید. (شهریور ۱۴۰۲)

۷۷. چرا در حمل «شکل سه ضلعی» بر مثلث نمی توان از دلیل حمل سؤال کرد؟ (شهریور ۱۴۰۰)

۷۸. تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل «موجود» بر انسان چیست؟ توضیح دهید. (دی ۹۹ - خرداد ۹۹)

۷۹. تفاوت حمل «شکل سه ضلعی است» بر مثلث با حمل «موجود» بر مثلث چیست؟ توضیح دهید. (شهریور ۹۹)

۸۰. در قضیه «انسان حیوان ناطق است» حمل «حیوان ناطق» بر انسان نیازمند دلیل است یا خیر؟ چرا؟ / یا آیا می‌توان پرسید چه عاملی باعث

می‌شود «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنیم؟ چرا؟

۸۱. علت اینکه تعیین نسبت میان دو مفهوم هستی و چیستی اشیا و موجودات یکی از مباحث اولیۀ فلسفه می باشد، چیست؟

۸۲. یک کودک به هنگام مواجه شدن با حیوانات می پرسد: «این حیوان» چیست؟ کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» می خواهد چه چیزی را نشان دهد؟

۸۳. منظور ابن سینا از این سخن که «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند را با ذکر مثال توضیح دهید.

۸۴. در عبارت «انسان موجود است» تفاوت «انسان» و «وجود» از چه جهتی است؟

۸۵. با توجه به عقیده ابن سینا، توضیح دهید که آیا فهم ما از قضیه «انسان حیوان ناطق است» با فهم ما از قضیه «انسان موجود است» یکسان

است؟ چرا؟

۸۶. رابطه بین دو مفهوم «انسان» و «وجود» چگونه است؟

۸۷. چرانی‌توان پرسید چه عاملی باعث می‌شود «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنیم؟

۸۸. آیا می‌توان پرسید چه عاملی باعث می‌شود «وجود» را بر «انسان» حمل کنیم؟ توضیح دهید.

۸۹. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چگونه حملی است؟ و چرا به دلیل نیازمند نیست؟

۹۰. با توجه به عقیده ابن سینا، توضیح دهید، چرا در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن

قرار نمی‌گیرد؟

۹۱. مقصود از این سخن که تفاوت «انسان» و «حیوان ناطق» صرفاً در اجمال و گستردگی شان است؛ چیست؟

۹۲. آیا حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع» از نظر نسبت، مانند حمل «دارای زاویه» بر «مستطیل» است یا خیر؟ چرا؟

یادداشت:

۲ بخش



پاسخ نامه

۱ غلط	۲ غلط
۳ صحیح	۴ صحیح
۵ غلط	۶ غلط
۷ صحیح	۸ غلط
۹ غلط	۱۰ صحیح
۱۱ غلط	۱۲ صحیح
۱۳ صحیح	۱۴ صحیح
۱۵ صحیح	۱۶ غلط
۱۷ صحیح	۱۸ غلط
۱۹ صحیح	۲۰ صحیح
۲۱ صحیح	۲۲ غلط
۲۳ صحیح	۲۴ صحیح
۲۵ صحیح	۲۶ غلط
۲۷ غلط	۲۸ غلط
۲۹ صحیح	
۳۰ هستی (یا وجود) - چیستی (یا ماهیت)	
۳۱ هستی (یا وجود) - چیستی (یا ماهیت)	
۳۲ ذاتیات	۳۳ وجود (هستی)
۳۴ فرق وجود و ماهیت	۳۵ توماس آکوئیناس
۳۶ ماهیت (چیستی)	۳۷ ماهیت (چیستی)
۳۸ ذاتیات	۳۹ مفهوم (معنا)
۴۰ وجود	۴۱ وجود - وجودشناسی
۴۲ هستی - چیستی (وجود و ماهیت)	
۴۳ وجود - ماهیت	۴۴ مفهوم - موجود
۴۵ ذاتی - دلیل و علت	۴۶ جدا - جزء
۴۷ چیستی - نیست	۴۸ تجربه - عقل محض
۴۹ وجوب و امکان	۵۰ ابن سینا - ابن رشد
۵۱ ارسطویی	۵۲ گزینه «۱»
۵۳ گزینه «۱»	۵۴ گزینه «۱»
۵۵ گزینه «۱»	۵۶ گزینه «۲»
۵۷ گزینه «۲»	۵۸ گزینه «۱»
۵۹ گزینه «۲»	
۶۰ الف ۳ ب ۴ ج ۲ د ۱ ه ۵	
۶۱ ابن سینا - توماس آکوئیناس	

۶۲ | وجود (هستی) و ماهیت (چیستی)

۶۳ | وجود (مطلق وجود)

۶۴ | زیرا فلسفه، وجود و مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند.

۶۵ | درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آن دو است.

۶۶ | وجود، وجه مشترک و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌ها است.

۶۷ | فارابی - ابن سینا

۶۸ | از طریق حس و تجربه و یا از طریق عقل محض به دست می‌آید.

۶۹ | فرق بین ماهیت و وجود

۷۰ | برهان وجوب و امکان

۷۱ | اصل مغایرت وجود و ماهیت

۷۲ | بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد

۷۳ | تومیسیم

۷۴ | از طریق ابن سینا و ابن رشد

۷۵ | بدین معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب

یا جمع شده‌اند. بلکه از موجودی واحد، دو مفهوم مختلف را به دست آورده‌ایم یعنی در عالم خارج دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم.

۷۶ | زیرا وجود، از اجزای تعریفی درخت نمی‌باشد. بیانگر ذات و حقیقت درخت نیست. از آن جدایی پذیر است.

۷۷ | زیرا «شکل سه ضلعی» از اجزای تعریفی «مثلث» و چیستی آن

است و گویای ذات و حقیقت مثلث است.

۷۸ | در عبارت «انسان حیوان ناطق است» حمل «حیوان ناطق»

بر «انسان» یک «حمل ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۷۹ | در عبارت «مثلث شکل سه ضلعی است» حمل «شکل

سه ضلعی» بر «مثلث» یک «حمل ذاتی و ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «مثلث» در عبارت «مثلث موجود است» رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.

۸۰ | خیر؛ زیرا «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی «انسان» هستند

و چیستی او را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان می‌باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.

۸۱ | زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها

هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

۸۲ | کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به

«وجود» آن حیوانات پی برده است و می‌داند که آنها موجودند و هستند اما از «ماهیت» و «چیستی» آنها آگاه نیست. او می‌خواهد این حیوانات

را بشناسد و از چیستی‌شان آگاه شود؛ یعنی می‌خواهد بداند این موجودات چه ویژگی‌هایی مخصوص به خود دارند که آنها را از دسته

دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند.

۹۰ | زیرا میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۹۱ | مقصود این است که حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است و «انسان» همان اجمال «حیوان ناطق» می باشد.

۹۲ | بله؛ زیرا همان طور که حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع» یک حمل ذاتی و ضروری است، حمل «دارای زاویه» بر «مستطیل» نیز یک حمل ذاتی و ضروری است و به دلیل نیاز ندارد. (توضیح آنکه وقتی سؤال می کنیم «آیا هر مربعی دارای دو قطر مساوی است؟» یا «آیا هر مستطیلی دارای زاویه است؟» پاسخ آنها مثبت (بله) خواهد بود.)

جهان ممکنات

درس
۲

۹۳ غلط	۹۴ صحیح
۹۵ صحیح	۹۶ غلط
۹۷ صحیح	۹۸ غلط
۹۹ صحیح	۱۰۰ صحیح
۱۰۱ صحیح	۱۰۲ صحیح
۱۰۳ غلط	۱۰۴ صحیح
۱۰۵ صحیح	۱۰۶ صحیح
۱۰۷ غلط	۱۰۸ غلط
۱۰۹ صحیح	۱۱۰ صحیح
۱۱۱ صحیح	۱۱۲ غلط
۱۱۳ غلط	۱۱۴ صحیح
۱۱۵ غلط	۱۱۶ غلط
۱۱۷ صحیح	۱۱۸ امتناعی
۱۱۹ واجب الوجود بالغیر	۱۲۰ ممکن الوجود
۱۲۱ بالغیر	۱۲۲ امکانی
۱۲۳ بالغیر	۱۲۴ ضروری و وجوبی
۱۲۵ امتناعی	۱۲۶ ممکن الوجود
۱۲۷ ضروری - وجوبی	۱۲۸ امتناعی
۱۲۹ سه - وجوبی / امکانی / امتناعی	
۱۳۰ وجوبی - امکانی - امتناعی	۱۳۱ ذات - ماهیت
۱۳۲ امکانی	۱۳۳ امکانی
۱۳۴ ممکن الوجود	۱۳۵ ذاتاً
۱۳۶ علت (تامه) - وجود	
۱۳۷ ممکن الوجود - واجب الوجود بالغیر	
۱۳۸ واجب الوجود بالغیر	۱۳۹ واجب الوجود بالغیر
۱۴۰ بالغیر - امکانی	۱۴۱ گزینه «۲»
۱۴۲ گزینه «۲»	۱۴۳ گزینه «۲»

۸۳ | به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند. بلکه منظور این است که آب، موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می آورد؛ یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. به عبارتی: «آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.

۸۴ | تفاوت «انسان» و «وجود» از جهت مفهوم است یعنی «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد هستند. انسان با نظر به این دو جنبه، دو مفهوم چستی (انسان) و هستی (وجود داشتن انسان) را به دست می آورد و در خارج، دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم.

۸۵ | خیر. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، «حیوان ناطق» که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ و در حقیقت «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان است و همان چستی اوست و گویای ذات و حقیقت انسان می باشد؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به عبارت دیگر، این دو مفهوم یعنی «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اما در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی ای» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۸۶ | در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست. بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است. حال، این دلیل ممکن است از طریق حس و تجربه به دست آید یا از طریق عقل محض.

۸۷ | چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» جزء چستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد.

۸۸ | بله؛ چون مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چستی ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست. پس برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «ماهیت» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم که «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض.

۸۹ | حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی و ضروری» است، چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چستی و ذاتیات خود اوست و لذا به دلیل نیاز ندارد.

وَدَّاعِلُ الْعَزِيزِ أَنْ يُرِيَّكَ
وَدَّاعِلُ الْعَزِيزِ أَنْ يُرِيَّكَ
وَدَّاعِلُ الْعَزِيزِ أَنْ يُرِيَّكَ

گاج

هزاران
کتاب
درسی

۲ فلسفه

مستندسازی:

محمد رضایی بقاء

فرمول
پیدا



فرمول پایست

در این کتابچه متن کتاب
درسی عیناً آمده است
و پاسخ سؤالات امتحان
نهایی از سال ۹۷ تا ۱۴۰۳
در آن مشخص شده
است. برای مرور سریع
در شب امتحان با این
کتابچه می توانید، یک
بار متن کتاب درسی را
بخوانید و همزمان متوجه
شوید که طراح از کدام
قسمت کتاب، سؤال
طرح کرده و کدام قسمت
را مورد سؤال قرار
نداده است و می توانید
بخش های پرتکرار همراه
با تعداد تکرار آن در
سال های مختلف امتحان
نهایی را متوجه شوید.
تأکید می شود که به
سؤالات سال ۱۴۰۰ به بعد
بیشتر دقت شود.

تهران، میدان انقلاب

نبش بازارچه کتاب

www.gajmarket.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

فلسفه (۲)

رشته‌های ادبیات و علوم انسانی – علوم و معارف اسلامی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

در این جزوه متن کتاب درسی عیناً آمده است و پاسخ تمامی سؤالات امتحانات نهایی برگزار شده در آن مشخص شده است.

برای مرور سریع در شب امتحان با این جزوه می‌توانید یک بار متن کتاب درسی را بخوانید و همزمان متوجه شوید که طراح از کدام قسمت کتاب، سؤال طرح کرده و از کدام بخش‌ها، سؤال طرح نشده است. بدین ترتیب هم بخش‌های پرتکرار و هم قسمت‌های محتمل‌تر برای طرح سؤال جدید برای شما آشکار می‌شود.

فهرست

بخش ۱ پیرامون واقعیت و هستی

- ۴ درس ۱: هستی و چیستی
- ۱۰ درس ۲: جهان ممکنات
- ۱۵ درس ۳: جهان علی و معلولی
- ۲۴ درس ۴: کدام تصویر از جهان؟

بخش ۲ پیرامون خدا و عقل

- ۳۱ درس ۵: خدا در فلسفه - قسمت اول
- ۴۲ درس ۶: خدا در فلسفه - قسمت دوم
- ۵۳ درس ۷: عقل در فلسفه - قسمت اول
- ۶۰ درس ۸: عقل در فلسفه - قسمت دوم

بخش ۳ نگاهی اجمالی به سیر فلسفه در جهان اسلام

- ۷۱ درس ۹: آغاز فلسفه در جهان اسلام
- ۷۹ درس ۱۰: دوره میانی
- ۸۸ درس ۱۱: دوران متأخر
- ۹۸ درس ۱۲: حکمت معاصر

پیرامون واقعیت و هستی

در بخش اول کتاب سال یازدهم، چپستی دانش فلسفه و رابطه آن با زندگی تبیین شد. در آنجا توضیح دادیم که موضوع دانش فلسفه «وجود» است و فلسفه، مسائل بنیادین و اساسی پیرامون «وجود» را بررسی می‌کند. در بخش دوم همان کتاب، یکی از مباحث اساسی فلسفه، یعنی «علم و معرفت»، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در یک نگاه تاریخی، نظر برخی از فلاسفه اروپایی و اسلامی، در این باره بیان گردید و مقایسه‌هایی هم صورت گرفت.

اکنون، در بخش اول این کتاب به مباحث اصلی پیرامون حقیقت وجود، یعنی رابطه هستی و چپستی، جهان ممکنات و مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علیت در جهان می‌پردازیم.

درس

هستی و چیستی

یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آنهاست. این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند. برای شناخت بیشتر این دو مفهوم و نسبت میان آنها، چند قدم بر می‌داریم تا در قدم آخر، به نتیجه مطلوب برسیم.

قدم نخست

به یاد می‌آوریم که از همان کودکی وقتی گرسنه و تشنه می‌شدیم، به سراغ غذا و آب می‌رفتیم تا نیازمان را برآورده سازیم، وقتی غمگین می‌شدیم و دل‌مان می‌گرفت، در کنار یکی از عزیزانمان پهلوی می‌گرفتیم تا روحمان آرامش یابد و اندوهمان برطرف گردد. آیا می‌توانید بگویید این رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی است و کدام اصل فلسفی را در خاطر می‌آورد؟

آری، بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعاً هست و می‌توان با دست خود آنها را برداشت و از آنها استفاده نمود. یعنی:

ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم.

قدم دوم

پدری کودک خود را به باغ وحش می برد تا او را با حیوانات مختلف آشنا کند. حیوان بزرگ و تنومندی در همان ابتدا توجه کودک را جلب می کند و از پدر می پرسد: «این چیست؟»
 پدر می گوید: «این حیوان تنومند، فیل نام دارد و در جنگل های هند و آفریقا زندگی می کند. وزن این حیوان گاهی به ۶۰۰۰ کیلوگرم هم می رسد و به همین خاطر، سنگین ترین حیوان روی خشکی است.»



پس از عبور از این حیوان، نوبت به حیوان دوم می رسد. کودک سؤال قبلی خود را تکرار می کند و پدر هم درباره خصوصیات آن حیوان توضیحاتی، البته متفاوت با توضیحات قبلی، می دهد. این پرسش و پاسخ تا آخر بازدید از باغ وحش ادامه می یابد.

۱ کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است و می داند که آنها موجودند و هستند اما از «ماهیت» و «چیستی» آنها آگاه نیست. او می خواهد این حیوانات را بشناسد و از چیستی شان آگاه شود؛ یعنی می خواهد بداند این موجودات چه ویژگی های مخصوص به خود دارند که آنها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می کند. این ویژگی های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می گویند. به عبارت دیگر: ماهیت و چیستی هر شیء، بیان کننده ذاتیات آن شیء است.

پس می توانیم بگوییم:

۴ انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو جنبه می یابد: «موجود بودن» و «چیستی داشتن».

۵ وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.

۱. مرداد ۱۴۰۳ - دی ۱۴۰۱ - شهریور ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰ ۲. شهریور ۱۴۰۱

۳. مرداد ۱۴۰۳ - دی ۱۴۰۱ ۴. خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۰ خارج - خرداد ۹۹ خارج

۵. شهریور ۱۴۰۲ - خرداد ۱۴۰۱ خارج - خرداد ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰ خارج - خرداد و شهریور ۹۹ - دی ۹۹

قدم سوم

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود. ابن سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند.

از نگاه علم شیمی، آب، ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به دست می‌آوریم. اما از نگاه فلسفی، آب، موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می‌آورد؛ یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. به عبارت دیگر:

«آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.

تکمیل گزاره‌ها

۱ در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آنها را می‌شناسیم و هم از «هستی»‌شان خبر داریم؛ مانند:

.....

۲ برخی امور وجود دارند که از «هستی»‌شان خبر داریم اما «چیستی» آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مانند:

.....

۳ «چیستی»‌های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مانند: **سیمرغ - دیو - دریای جیوه - کوه طلا**
طبق اصل مغایرت، وجود و ماهیت.....

گزاره‌های فوق، گرچه به مسائل روزمره ما مربوط می‌شوند و قضایای فلسفی نیستند، اما یک تبیین فلسفی دارند و می‌بینیم که فارابی و ابن سینا این تبیین فلسفی را از همین نوع گزاره‌ها ارائه کرده‌اند.

❖ قدم چهارم



کتاب شفا مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر ابن‌سینا شامل منطق، طبیعیات، ریاضیات و الهیات است. مؤلف در هر چهار قسمت به‌طور دقیق و کامل سخن گفته و مطالب لازم را دربارهٔ هریک از این چهار علم به‌صورتی منظم و قابل استفاده در اختیار مخاطب قرار داده است.

مثلاً نوع حمل در قضیهٔ «لوزی شکل است» مانند قضیهٔ «انسان حیوان است»، می‌باشد.

ابن‌سینا برای این نظر خود که آن را «مغایرت وجود و ماهیت» نامیده، دلایلی ذکر کرده است. یکی از آن دلایل به شرح زیر می‌باشد:

اومی گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»، حمل وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است.

■ در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان، به وسیلهٔ «حیوان ناطق» تعریف شده است؛ یعنی ^۱ «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چپستی او را تشکیل می‌دهند و بیان‌کنندهٔ ذات و حقیقت انسان می‌باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند؛ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ «انسان» برای «حیوان ناطق» به کار می‌رود.

■ چون ^۲ «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید؟

■ اما رابطهٔ دو مفهوم «وجود» و «انسان» این گونه نیست. برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربهٔ شناسایی شود یا از طریق عقل محض ^۳. سایر ماهیت‌ها و چپستی‌ها نیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند.

■ بنابراین مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چپستی‌ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطهٔ ذاتی میان آنها برقرار نیست.

مثلاً در قضیهٔ «آهن فلز است»، «فلز» از اجزای تعریفی آهن است. یا مثلاً حمل وجود بر درخت، به دلیل نیاز دارد، زیرا وجود از اجزای تعریفی درخت نمی‌باشد و بیانگر ذات و حقیقت درخت نیست و از آن جدایی‌پذیر است.

۱. دی ۱۴۰۲ - خرداد ۱۴۰۲ - شهریور ۱۴۰۲ ۲. خرداد ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹ خراج - خرداد ۱۴۰۳

۳. خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۱ - شهریور ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۰ خراج ۴. شهریور ۱۴۰۰

۵. خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۰ خراج ۶. مرداد ۱۴۰۳ - دی ۹۹ ۷. خرداد ۱۴۰۱ ۸. خرداد ۱۴۰۲ - شهریور ۱۴۰۲

بررسی

اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.

مثلاً محمول در قضیه «مثلث شکل است»، جزء مفهوم موضوع است اما در قضیه «مثلث شکل سه ضلعی است»، محمول عین موضوع است

بازبینی

به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن سینا، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱. آیا سه گزاره طرح شده، با بیان ابن سینا هماهنگ‌اند؟
۲. کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می‌کند؟

گذری تاریخی

به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا با عنوان‌هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت به گونه‌ای که گفته‌اند «فرق بین ماهیت و وجود بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.»^۱ این نظر، پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز می‌باشد که در جای خود درباره آن سخن خواهیم گفت.

یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس»^۲، که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.^۳ او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار مکتب فلسفی «تومیس»^۴ در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.



توماس آکوئیناس در سال ۱۲۲۵ میلادی در ناپل به دنیا آمد. او حدود ۴۹ سال عمر کرد. او فعالیت علمی و دینی خود را در شهرهای پاریس، رم، ناپل و کلن انجام داد. او یکی از رهبران برجسته کلیسای کاتولیک به شمار می‌آید و برجسته‌ترین فیلسوف و متکلم دوره قرون وسطی شمرده می‌شود. آکوئیناس با اندیشه ابن سینا آشنا بود و با پیروان این‌رشد در اروپا مشاجرات علمی فراوان داشت. وی از پیشگامان رویکرد عقلی در مسیحیت بود و تلاش می‌کرد عقاید مسیحیت را با دلایل عقلی همراه کند و عقاید و مراسم مسیحی را با عقل سازگار نماید. پاپ‌لویی سیزدهم در سال ۱۸۷۹م. فلسفه او را به عنوان سرمنشأ برای تفکر مسیحی ستود. از آن پس اندیشه‌های توماس آکوئیناس مورد احترام کاتولیک‌ها بود و کمتر مورد نقد قرار می‌گرفت. او در سال ۱۲۷۴م. از دنیا رفت.